
جلسه هشتاد و دوم

در جلسه گذشته بیان شد که ماده امر، معانی مختلفی دارد و در لغت عرب، لفظی را که معانی متعددی داشته باشد، می توان به یک یا دو معنا بازگشت داد؛ حال یا به اشتراک معنوی یا به اشتراک لفظی. لکن نظر علما درباره معنای «امر» متفاوت است. به نظر مرحوم آخوند، ماده امر به دو معنا است: طلب و شیء. اشکال وارد بر کلام وی این بود که دایره شمول «شیء» آن قدر وسیع است که حتی بر ذات و جوهر نیز قابل اطلاق است؛ اما کلمه امر این طور نیست. دایره معنایی کلمه امر مضیق است، به عنوان مثال شما می توانید بگویید: «زید شیء»، ولی نمی توانید بگویید: «زید امر». لذا نتیجه می گیریم که امر، مرادف با شیء نیست، چون قابل اطلاق نیست. بنابراین، مرحوم خوئی نظر مرحوم آخوند را بسط داده و فرموده اند: منظور از شیء، شیء با یک خصوصیت است، حال ممکن است آن خصوصیت به صورت توصیفی باشد یا به صورت فعلی.

۱. نقد نظر مرحوم صاحب فصول

نظر مرحوم صاحب فصول این بود که ماده امر به دو معنا است. طلب و شأن. لکن باید گفت: اگر بخواهیم بدانیم که آیا استعمال یک لفظ در معنایی که به کار می رود، حقیقی است یا نه؟ نیاز به علامتی داریم که لفظ از آن معنا حکایت کند، در مانحن فیه، بحث اشتراک است و نیاز به قرینه معینه داریم. ما در هیچ جایی از ماده امر معنای شأن به ذهنمان تبادر نمی کند. پس کلام صاحب فصول مخدوش است، چون نمی توان گفت معنای امر عبارت است از طلب و شأن. لذا جای بسی شگفتی است که مرحوم صاحب فصول معنای امر را به طلب و شأن برگردانده است!

۲. اشکال نظر آیت الله بروجردی

مرحوم بروجردی فرمودند که ماده امر مشترک بین دو معنای طلب و فعل است. کلام ایشان نیز از این جهت مخدوش است که ما جاهای زیادی داریم که امر به معنای فعل نمی آید؛ مانند این که می گویند: شریک الباری امر محالی است، ولی نمی توانیم بگوییم: شریک الباری فعل محالی است. بسیار روشن است که در این جا امر به معنای فعل نیست. یا می گویند: فلان غذا برای مریضی، امر زیان آوری است، آیا این امر

به معنای فعل است؟!)

حال با توجه به این ما جاهای زیادی داریم که در آنها امر به معنای فعل نیست؛ پس نمی‌توانیم ادعا کنیم که فعل، مرادف معنای امر است.

۳. نظر مرحوم نائینی

عده‌ای مانند مرحوم نائینی و محقق اصفهانی قائل به اشتراک معنوی ماده امر هستند. این دو بزرگوار معتقدند که ما قدر جامعی درست می‌کنیم که هم طلب و هم شیء هر دو را شامل شود. مرحوم نائینی معتقد است: امر به معنای «واقعۀ ذا اهمّیة» است و این، قدر جامع مشترک بین این موارد می‌شود و لذا در «واقعۀ ذا اهمّیة»، هم معانی طلب و هم غیر طلب هر دو وجود دارد. تلاش مرحوم نائینی بر این است که همه معانی را که مربوط به امر است در یک کلام خلاصه کند.

۴. اشکالات این قول

۵. اشکال اوّل:

اگر موضوع له لفظ، واقعۀ ذا اهمّیت باشد باید از لفظ امر همین معنا به ذهن ما تبادر کند؛ یعنی به محض شنیدن کلمه «الف میم». این معنا به ذهنمان تبادر کند، در حالی که این طور نیست و با شنیدن لفظ «امر» معنای واقعۀ ذا اهمّیت به ذهن ما تبادر نمی‌کند.

۶. اشکال دوّم:

اگر واقعاً معنای موضوع له ای لفظ امر، واقعۀ ذا اهمّیت است، شما وقتی امر را توصیف می‌کنید و می‌گویید: «هذا امر مهمّ» یا «هذا ليس بأمر مهمّ» این توصیف باید غیر معقول باشد، چون در بطن امر باید نهفته باشد، حال آن که غیر معقول نیست. پس این دلیل مرحوم نائینی پذیرفته نیست.

۷. نظر محقق اصفهانی

ایشان معتقدند قدر جامع ماده امر عبارت است از اراده و طلب فعلیت یافته و لذا می‌گوید: این معنا در تمام ماده امر (حتی در شأن و اراده) نیز وجود دارد.

۸. نکته

مرحوم نائینی تلاش می‌کند تا معنای طلب را به غیر طلب برگرداند و مرحوم محقق اصفهانی می‌خواهد معنای غیر طلب را به معنای طلب برگرداند.

۹. اشکال وارد بر نظر محقق اصفهانی

حقیقتاً نمی‌توان امر را بر هر اراده‌ای که فعلیت پیدا کند اطلاق کرد، مثلاً آیا می‌شود به کسی که اراده انفاق کرده گفت: «هذا امر»؟ آیا کلمه امر بر اراده او صادق است؟

لذا مرحوم محقق اصفهانی در تلاش بودند تا معانی غیر طلبی را به طلب برگردانند چنانچه فرمود همه معانی ماده امر به اراده و طلب فعلی برمی‌گردد.

لکن اولاً در عالم خارج چنین چیزی را نمی‌بینیم. اگر کسی اراده کرده تا کاری را انجام دهد و به فعلیت برساند، نمی‌توانیم کلمه امر را درباره او به کار ببریم. ثانیاً نمی‌توانیم بگوییم وقتی کلمه امر را در موضعی که جامع بین طلب و اراده است به کار می‌بریم و از آن، اراده فعلیت یافته به دست می‌آید.

نتیجه: اگر ماده امر را به دو معنا بگیریم، این اشتراک لفظی است نه اشتراک معنوی.

ما غیر از دلیل وجدان، دو شاهد بر اثبات دلیلمان داریم:

۱. ماده امری که به معنای طلب است، مشتق است و ماده امری که به معنای غیر طلب است جامد است و قابل صرف و انشقاق نیست. پس یکی مشتق و دیگری غیر مشتق است، لذا نمی‌توانیم به یک معنا برگردانیم و از اینجا معلوم می‌شود که واضع، امر به معنای طلب را که مشتق است در برابر یک معنا وضع کرده و ماده امری را که غیر طلب است در برابر یک معنای دیگر.

۲. جمع کلمه امر به معنای طلب، «اوامر» می‌شود، ولی جمع امر به معنای غیر طلب، «امور» می‌شود و این، تعدد وضع را نشان می‌دهد، لذا کلام مرحوم محقق اصفهانی و مرحوم نائینی تمام نیست. بنابراین ماده امر دارای تعدد وضع است و به اشتراک لفظی معانی مختلفی دارد.

